

**افکار عمومی باید بدانند رسانه کارش فقط انتقال است
و از سوی دیگر سیاستون هم باید بدانند همه رسانه، امنیت
و سیاست نیست. باید خطر مرزها را کم کرد و به سوی
یکپارچگی رسانه‌ای حرکت کرد، حتی اگر محال به نظر برسد**



دنبال تعیین و ترسیم این مرزها باشیم.

آیا این رویکرد بازخوردی از رسانه‌های معاند هم داشته است؟

تا جایی که من دیدم، در سطح، واکنش اولیه «بی‌اعتنایی» است. در عمق، استناد به گزارش‌های خبری صداوسیما صورت می‌گیرد تا تأییدی باشد بر روایت خود. اما کار در همین جا متوقف نمی‌شود و مطمئن باشید در صورت تداوم این رویکرد زنده و پویا، شگردهای عملیات روانی به میدان خواهد آمد تا این رویکرد را زیر سؤال ببرد. رسانه‌های معاند هرگونه حرکت تحولی درون نظام را سویه‌دار تفسیر کرده‌اند و در ادامه تلاش داشته‌اند با برچسب‌زنی، هویت اصلاحی آن را بگیرند یا آن را به انحراف بکشانند. پیش‌بینی من این است که حتی در ادامه، تلاش خواهند کرد نوعی دوقطبی یا دوغانگی «رسمی» و «واقعی» راه بیندازند. مثلاً بعضی جاها دوربین تلویزیون را راه ندهند یا حتی الامکان درگیری یا حاشیه‌ای بسازند که روایت مردمی رویداد خدشه‌دار شود. به تعبیر بهتر، حادثه می‌سازند تا روایت شما از حادثه اصلی گوشه پیدا کند.

به‌طور کلی رسانه اعتماد مردم را برای چه چیزی می‌خواهد، در مرحله آخر این ماجرا اقناع است؟

هیچ نظام سیاسی بدون مردم به جایی نمی‌رسد، حتی اگر از نظر ثروت و امکانات مثال‌زدنی باشد. رسانه به اعتماد مردم نیاز دارد تا کارکردهای متقابل قدرت سیاسی و بدنه اجتماعی به یک استاندارد معمول برسد. در حال حاضر این رابطه گره و گیر فراوانی دارد. درک متقابل و ارتباط متوازن وجود ندارد، چون رسانه نتوانسته در غیاب مراجع اجتماعی و جامعه مدنی که به دلایل مختلف صحنه را ترک کرده‌اند، جای همه آنها ایفای نقش کند. در اولین گام رسانه باید بپذیرد نه اجتماع است و نه سیاست.

باتوجه به این مسأله که در عصر حاضر برای انتشار خبرها به حضور خبرنگار نیاز چندانی نیست، سرعت عمل پوشش خبری چطور قرار است به‌دست بیاید؟

چرا اتفاقاً، امروز به حضور خبرنگار بیشتر نیاز داریم اما خبرنگار باید بداند خبر، روایت است؛ تفسیر است، تحلیل است و البته باید برای همه اینها آموزش ببیند و از سوی دیگر به او اعتماد کنند. راه دیگر، توجه به شهروند خبرنگاری است که البته تاکنون نتوانسته آنچنان که اصحاب رسانه انتظار دارند به اجرای نقش خبر کمک کند. نباید خبر را دست‌کم گرفت و آن را صرفاً یک فیلمبرداری با گوشی همراه یا نقل یک واقعه دانست.

در شرایطی که کشور دچار بحران می‌شود و اعتراض‌ها بالا می‌گیرد رسانه چه برخوردی باید داشته باشد؟

دیگر دوره عدم ورود به بحران گذشته. از سویی دیگر حساسیت برخی موضوعات و تجربه برخی اتفاقات سبب شده سیاستگذار به این نتیجه برسد که همه سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌ها تمرکز پیدا کند تا چیزی از دست نرود. در مورد اعتراض‌ها باید بدانیم همین روایت اعتراض‌ها خود به همدلی محیط کمک می‌کند و وزن دادن و رسمیت بخشیدن به اعتراض‌ها سبب می‌شود اعتراض، آشوب نشود. اما این کافی نیست. افکار عمومی باید بدانند رسانه کارش فقط انتقال است و از سوی دیگر سیاستون هم باید بدانند همه رسانه، امنیت و سیاست نیست. باید خطر مرزها را کم کرد و به سوی یکپارچگی رسانه‌ای حرکت کرد، حتی اگر محال به نظر برسد.



گفت‌وگو با دکتر محمد رستم‌پور در مورد تأثیرات رسانه‌ای و امنیتی رویکرد جدید صداوسیما

دوره عدم ورود به بحران گذشته است

رویکرد جدید رسانه ملی در پوشش رخدادهای خبری باعث شد رسانه‌های فارسی‌زبان خارجی از گود رقابت خبری و مرجعیت خارج شوند. اتفاقی که باعث شده بخش زیادی از تهدیدات رسانه‌ای و چه بسا امنیتی را خنثی کرده است چرا که مردم داخل کشور برای پیگیری مطالبات‌شان لازم نیست به رسانه‌های خارجی رجوع کنند یا حتی مطالبات‌شان را با آنها در میان بگذارند. برای بررسی این مسأله از زاویه رسانه و امنیت ملی به سراغ دکتر محمد رستم‌پور، مدیرکل پژوهش و بررسی‌های خبری ایرنا رفتیم تا تأثیر رسانه‌ای و امنیتی این تغییر رویکرد را بررسی کنیم.

رویکرد جدید صداوسیما در این مدت چقدر رضایت مردم را به همراه داشته؟

ارزیابی رضایت یا نارضایتی مردم باید مستند به نظرسنجی و داده‌کاوی یا روش‌های دیگر دریافت نظرات و دیدگاه‌های افکار عمومی باشد اما مخاطب فعال و آگاه شبکه‌های اجتماعی می‌تواند فهم کند تغییر رویکرد صداوسیما در پرداخت به رویدادها و مسائل حساس به‌ویژه رخدادهای سیاسی و امنیتی با استقبال گروه‌ها و اقشار مختلف اجتماعی روبه‌رو شده است. اما این‌که این استقبال، مطلق بوده یا نسبی و همچنین چه مضامینی دارد، نیاز به پژوهش و اعتبارسنجی دارد.

این‌که اخبار بی‌سانسور پخش بشود گاهی وقت‌ها باعث نمی‌شود تصویر غلطی برای مردم شکل بگیرد؟

اولا نگاه به سانسور باید تغییر کند. سانسور تنها یکی از راه‌های دروازه‌بانی خبر است. گردش آزاد اطلاعات هم اخبار مضر، دروغ، شایعه و فیک‌نیوز را بر نمی‌تابد. نمونه آن را در مواجهه بنگاه‌های خبری- رسانه‌ای بزرگ دنیا و دولت‌های مختلف جهان ببینید. هیچ کشوری نیست که از سانسور استفاده نکنند اما موضوع این است که اولاً سانسور نباید به تنها ابزار تبدیل شود و ثانیاً سانسور نباید شکل سرکوب بگیرد. با این ملاحظه می‌توان گفت روایت صریح و بی‌سانسور موضوع اتفاقاً تصویرها را تصورها را اصلاح می‌کند.

عمده اخبار به مردم در فضای مجازی می‌رسد. آیا این رویکرد برای بی‌نیاز کردن پیگیری اخبار از فضای مجازی است؟

خیر، به هیچ عنوان. تکثر و نفوذ رسانه‌های اجتماعی به این معنا نیست که رسانه‌های رسمی کنار بروند. رویکرد جدید صداوسیما به دنبال رقابت با فضای مجازی نیست. صداوسیما در رویکرد جدید باید تلاش کند از امکان و ظرفیتی که فضای مجازی در اختیارش گذاشته، بهره‌برد و نفوذ و فراگیری رسانه‌های اجتماعی را بهبود ببخشد. مواجهه منطقی رسانه‌های رسمی و رسانه‌های غیررسمی باید از جنس مصالحه باشد، نه از جنس مقابله.

چرا ما چشم‌مان در پوشش اخبار به رسانه‌های آن‌طرفی است و خودمان نوآوری نداریم؟ چرا رسانه‌های خارجی و بعضاً معارض توانسته‌اند چشم‌ما را بگیرند؟

به دو دلیل مشخص؛ اولاً ادا و پز استقلال و بی‌طرفی دارند، در حالی که منافع مالی و سیاسی‌شان کاملاً به دشمنان ایران گره خورده است. ثانیاً متکی بر شهروند خبرنگارها و مبتنی بر ظرفیت شبکه‌های اجتماعی، همیشه اولین و نزدیک‌ترین روایت حادثه را ارائه می‌دهند. نوآوری رسانه‌ای جز این نیست که بتوانید اعتماد مردم را جلب کنید

و خودتان را به آنها بقبولانید.

آیا تدابیری ایجاد شده که خبر اول از سمت ما منتشر شود؟

تدبیری جز کاستن از بروکراسی تولید خبر وجود ندارد. تکثر رسانه، ابتکار در تصمیم‌گیری می‌طلبد. اول بودن یا آخر بودن تفاوتی در ماجرا ایجاد نمی‌کند، وقتی باور به انتشار و روایت شما مخدوش شده باشد. بنابراین باید به خبرنگار و راوی اعتماد کرد و میدان داد و خطوط قرمز و هشدار پر شمار برایش نساخت.

چرا با رویکرد تفسیر یا اخبار برخورد می‌شد؟ آیا الان از حوزه تحلیل به تعریف درست و صحیح وارد شده‌ایم؟

چون از خبر عقب ماندیم و تازگی و طراوت و دست‌اول بودن خبر به دلایلی که گفتیم، از دست رفت؛ آمدیم پشت میز نشستیم و گفتیم «واقعیت ماجرا» این نبوده. در حالی که واقعیت ماجرا قبل از این‌که شما صحنه را ترک کنید، منتقل شده و شما هر اندازه و با هر کیفیتی روایت کنید، دیگر باور رخ داده را نمی‌توانید تغییر دهید. امروزه دیگر مرز خبر و تفسیر و تحلیل کم‌رنگ شده و به نظر من ضرورتی هم ندارد ما مرتباً به

